



نسل نو

© صدیقه خان احمدی، مدیر دبیرستان رضوان، ناحیه ۳ قم

تصویری داده‌است. ویژگی این فرهنگ، کوتاه‌نویسی و انتقال پیام به‌صورت تصویر، کلیپ، پویانمایی و ایموجی است. پس افراد بیش از آنکه حرف بزنند، عکس رد و بدل می‌کنند یا کوتاه‌نویسی می‌کنند.

در نسل نو، شاخصه رسانه‌ای و مصرفی شدن مشاهده می‌شود. این نسل به‌خاطر شکاف طبقاتی و ثروت‌های کلان، از رفاه نسبی برخوردار است و کمیابی‌های نسل قبل را ندارد. بیشتر به دنبال خودابرازی است و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آن کمتر دیده می‌شود. این افراد به‌خاطر بهای زیادی که خانواده‌ها و مدرسه‌ها به آن‌ها داده‌اند، نسل انتخاب هستند و سبک زندگی را خودشان انتخاب می‌کنند. سن آسیب‌های اجتماعی در این نسل کاهش یافته و حتی به ۱۳ سال رسیده است. این نسل فرهنگ موجود را نقد و فرهنگ دیگری را جایگزین آن می‌کند.

همچنین، با استفاده از امکانات تلفن همراه خود، در لحظه به شهروند تبدیل می‌شود و با تولید اطلاعات، آن را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارد و به این وسیله در شکل‌گیری افکار عمومی تأثیرگذار است. نسل‌ها، به دلیل تغییر ابزارها، شرایط و داشتن تجربیات جدید، با یکدیگر تفاوت دارند. خود این تفاوت‌ها عامل پیشرفت جامعه هستند. البته گاهی این تفاوت‌ها به شکاف نسلی منجر می‌شوند و ارزش و اعتبار نسل قبل برای نسل بعد بی‌معنا می‌ماند.

گروهی معتقدند، رسالت جوانان شکستن تحجر زندگی است و تصور بر این است که تا نوزادی متولد می‌شود، امید برای تغییر وجود دارد. پس باید به توان تغییردهی در جوانان باور داشت.

این نسل عرصه‌هایی برای خودابرازی دارد و اگر امکان مطلوبی فراهم شود، خلاقیت‌های بزرگی ایجاد خواهد کرد. اگر هم این اتفاق نیفتد، به خودویرانگری تمایل می‌یابد.

لذا برنامه‌های درسی و فرهنگی مدرسه باید با ویژگی‌های این نسل بازطراحی شود.

از دیدگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، بین ویژگی‌های دو نسل تفاوت‌هایی وجود دارد. به‌طور طبیعی، هیچ نسلی آینه تمام‌نمای نسل قبل نیست. هر نسلی شرایط خودش را دارد که قطعاً جنبه‌هایی مثبت و منفی را در برمی‌گیرد. اقتضای تحول این است که نسل جدید تابلوی نسل قبل نباشد؛ به‌ویژه که سرعت تحولات دارای شتاب است.

گاهی تفاوت نسل‌ها بیشتر از گذشته به چشم می‌خورد. حالت نگران‌کننده این وضعیت، شکاف و گسست نسلی است که باعث دورشدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر می‌شود؛ وضعیت جدیدی به نام «گسست نسل‌ها». در این وضعیت، غالباً نوجوانان و جوانان وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ می‌شکافند و طغیان می‌کنند.

این نسل، به دلیل عضویت در شبکه‌های اجتماعی، کمتر مطالعه می‌کند. یعنی جایگاه کتاب خواندن در این نسل به‌شدت تضعیف شده و فقط کتاب درسی است که برایش اهمیت دارد. در نسل‌های گذشته، در کنار کتاب‌های درسی، کتاب‌های زیادی اعم از تاریخی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی، شعر، رمان و حتی مجلات عمومی اهمیت داشتند. در حال حاضر بیشتر وقت بچه‌ها صرف مدرسه و سپس کلاس‌هایی برای آمادگی در کنکور می‌شود. در نتیجه، زمان محدودی برای آن‌ها باقی می‌ماند که آن نیز صرف شبکه‌های اجتماعی می‌شود. نوشتن و خواندن آن‌ها نیز بیشتر به فضای مجازی محدود می‌شود. پیام‌های کوتاهی را می‌نویسند و می‌خوانند؛ اگرچه این موضوع به‌گونه‌ای مهارت‌های خواندن و نوشتن آن‌ها را، البته با توجه به اقتضائات فضای مجازی، تقویت می‌کند، اما از مهارت‌های کلامی‌شان می‌کاهد. در حالی که در جامعه امروزی باید از مهارت‌های گفتاری و شنیداری خوبی برخوردار باشند.

در نسل جدید، فرهنگ ادبی جای خود را به فرهنگ